

## دیدگاه های مختلف حسابداری

هیات اصول حسابداری در امریکا (APB) حسابداری را به عنوان "فعالیت خدماتی" توصیف می کند که حسابداران آن را تشخیص داده و پذیرفته اند. کدام دیدگاه باید در فرآیند حسابداری مورد استفاده قرار گیرد؟

در اینجا تئوری های مختلفی را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم که بعنوان پاسخ پیشنهاد شده اند.

### تئوری مالکیت:

لیتل تون گفت: سرمایه ماهیت سیستم ثبت دو طرفه است. بدون آن دلیلی برای بدهکار بودن وستانکار بودن

وجود ندارد و دفترداری ثبت دو طرفه صرفاً مجموعه ای از قوانین می باشد. این دیدگاه از تاریخ قرن ۱۸ شروع شد و این زمانی بود که تعداد کمی از نویسندگان کتاب درسی سعی کردند تا منطق حسابداری را بر مبنای هدف شرکت ماهیت سرمایه و معنای حساب ها از دیدگاه مالک را ارائه کنند. این موضوع واقعا احیای تمرکز پاسیولی در مورد موضوع مالکیت بود این فرد مالک مورد توجه قرار می گیرد تمام مفاهیم روش ها و قوانین حسابداری با توجه به علاقه مالک در ذهن شکل می گیرند ثبت ها از دیدگاه مالک ثبت می شوند و این حتی برای شرکت هم درست می باشد و به عنوان وسیله ای در نظر گرفته می شود که از طریق آن سهامداران و مالکان به دنبال دست یابی به هدف خودشان می باشند که این افزایش ثروت می باشد.

حساب های ترازنامه ای:

معادله حسابداری زیر وجود تئوری مالکیت را نشان می دهد  $A-L=P$

P مالکیت ارزش خالص مالک را در تجارت نشان می دهد.

ترازنامه سرمایه مجموع تمام عناصر در زمان خاص می باشد که ثروت برخی از افراد و مجموعه اشخاص را تشکیل می دهد. هدف کلی کشمکش تجاری افزایش ثروت یعنی افزایش سرمایه می باشد. دارایی ها متعلق به مالک هستند بدهی ها تعهدات مالک می باشند در این راستا ما می توانیم درک کنیم که هدف حسابداری تعیین ارزش خالص مالک در تجارت می باشد و به این علت برخی حسابداران معتقدند که ارزش جاری بیشتر از هزینه تاریخی به آن توجه می شود. تئوری اقتصادی یک شرکت نظر مالکیت را با تاکید بر نقش مالک کارآفرین را مورد توجه قرار می دهد مفهوم سود به عنوان بازده کارآفرینی در نظر گرفته شده است. اقتصاددانان با استفاده از ارزش جاری حسابداری آشنا هستند اگرچه تئوری مالکیت می تواند هزینه تاریخی را شامل شود به نظر میرسد ارزش جاری بیشتر منطقی باشد.

درآمد:

به علت تصمیمات و فعایت های مالک یا نماینده او درآمدها به دست می آیند و هزینه ها متحمل می شوند.

حساب های درآمد و هزینه به درستی حساب های فرعی P می باشند که موقتا هدف تعیین درآمد مالک را مجزا می کند. درآمد افزایش در سرمایه و هزینه کاهش در سرمایه می باشند. واتر توضیح

می دهد:

تئوری ثبت دوطرفه بر مبنای ایده ای است که حساب های درآمدو هزینه همان ویژگی های درآمد به عنوان ارزش خالص می باشند یعنی حساب ها می خواهند ارزش خالص را افزایش دهند که توسط پستانکاران افزایش یافته حساب ها می خواهند ارزش خالصی را کاهش دهند که در تربیت معکوس به آن پرداخته شده است.

بنابراین درآمد افزایش در ثروت مالک طی یک دوره تجاری می باشد و این افزایش ثروت متعلق به اوست.

اگر چنین باشد چه درآمدی ارائه می شود و بعداً تمام ویژگی هایی که بر روی تغییر در ثروت مالک طی یک دوره داده شده تاثیر می گذارند باید در درآمد مشمول باشند. آیا باید تمام موارد افزایش در ارزش محاسبه شوند حتی اگر هیچ گونه معامله خارجی انجام نشده باشد؟ آیا باید افزایش ارزش ثبت شود اگر دیدگاه سرمایه را در نظر بگیریم؟ دیدگاه ارزش خالص بیان می کند که افزایش ارزش باید ثبت شود.

مالیات مضاعف در مورد درآمد یکسان زمانی اتفاق می افتد که شرکت ها باید مالیات بر درآمد را پردازند و همچنین زمانی است که سهامداران سود سهام را دریافت می کنند و این نتیجه دیدگاه سرمایه می باشد درآمد موسسه متعلق به مالکانی است که باید مالیات بر درآمد را پردازند زمانی که درآمد کسب می کنند و دوباره باید مالیات بر درآمد را پردازند وقتی که این درآمد به شکل سود سهام از تجارت بدست آمده باشد. تئوری مالکیت موسسه تجاری را به عنوان ابزار مالکان در نظرمی گیرد و به بیان دقیق تر این که یک واحد اقتصادی مستقل با هویت خود مجزای از سهامداران می باشد.

اثر عملکرد:

تا حد زیادی عملکرد موجود حسابداری براساس تئوری سرمایه می باشد سود سهام توزیع درآمدها می باشد

بهره بدهی و مالیات بر درآمد به عنوان هزینه در نظر گرفته شده زیرا دیدگاه مالکیت چنین می گوید. برای مالکیت فردی و شرکت تضامنی حقوق پرداخت شده به مالکانی که در موسسه تجاری کاری کنند به عنوان هزینه در نظر گرفته نمی شود زیرا مالک و شرکت واحد اقتصادی یکسانی هستند و یکی نمی تواند به دیگری پرداخت کند آن را به عنوان هزینه کسر کند. روش حقوق صاحبان سهام برای سرمایه گذاری های بلندمدت منافع مالکان شرکت سرمایه گذاران تشخیص می دهند و بنابراین آن را تعیین می کنند تا به عنوان درآمد درصد سهم درآمد سرمایه پذیر ثبت شود.

در تلفیق صورت های مالی روش شرکت اصلی بر مبنای تئوری سرمایه می باشد این شرکت اصلی به عنوان مالک شرکت فرعی می باشد. منافع اقلیت از دیدگاه مالک شرکت فرعی ادعاهای گروهی از افراد بیگانه را ارائه می کند اگرچه منافع اقلیت با تعریف هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی در مورد بدهی نسبتی ندارند تحت تئوری شرکت اصلی انتخابی وجود ندارند که آن را عنوان بدهی در ترانزنامه تلقی می کنیم. روش اتحاد منافع یک مجموعه تجاری را به عنوان "واحد کردن منافع مالکیت دو یا چند شرکت می شناسد و این کار از طریق مبادله اوراق مالکیت سهام انجام می شود" این موضوع قطعاً دیدگاه سرمایه می باشد.

اصطلاحاتی که ادعاهای مالکیت را معین می کنند و بنابراین منعکس کننده تئوری سرمایه هستند در حسابداری رایج بوده و شامل درآمد سهامداران درآمدهای هر سهم و ارزش دفتری هر سهم می باشد. در انتخاب شاخص کلی قیمت برای تعدیل قیمت تئوری سرمایه از ما می خواهد تا منافع مالک را مورد توجه قرار دهیم که او به عنوان یک فرد نگران رفع نیازهای اقتصادی خود می باشد و این موضوع ما را به سمت شاخص قیمت مصرف کننده راهنمایی می کند سرمایه

مالی نسبت به دیدگاه سرمایه فیزیکی تحت مفهوم سرمایه مناسب می باشد. اولین مورد سرمایه گذاری مالی مالکان را مورد تاکید قرار می دهد در حالی که مورد دوم بر روی توانایی شرکت تمرکز دارد تا بدون توجه به ادعاهای مالکیت سطح عملیاتی فیزیکی را حفظ کند تحت دیدگاه سرمایه این نکته همچنین منطقی است که کاهش ارزش بدهی را به عنوان سود غیر عملیاتی در نظر بگیرند.  
**محدودیت ها:**

دیدگاه سرمایه حسابداری زمانی گسترش یافت که شرکت های تجاری کوچک بوده و اساساً شرکت های تضامنی و مالکیت فردی بودند. اما با پیدایش این شرکت این تئوری که عنوان مبنایی برای توضیح حسابداری شرکت سهامی کافی نبودند از لحاظ قانونی این شرکت سهامی واحد اقتصادی مستقل است مالکان با حقوق مربوط به خود می باشند در این صورت این شرکت سهامی مالک دارایی هایی می باشد و تعهدات موسسه تجاری را در نظرمی گیرنده سهامداران این شرکت های سهامی نه تنها تعهدات تجاری را در نظرمی گیرند

بلکه ویژگی بدهی محدود را مورد توجه قرار می دهند و معنایی ندارد که بگوییم سهامداران مسئول بدهی های شرکت هستند اگر سهامدار یک شرکت سهامی بزرگ بخواهد حقوق فرض شده مالک را از طریق پس گرفتن دارایی ها از شرکت اعمال کند او با قانون رو به رو خواهد شد. برداشت وجوه نقد (سود سهام) در واقع توزیع از طریق روش های قانونی رسمی می باشند.

پاسخ گویی در مقابل مالک عملکرد مهمی برای شرکت سهامی بزرگ می باشد و این به علت فاصله بین مدیریت و سهامداران می باشد برای شرکت کوچک مالکان از وضعیت مالی موسسه تجاری آگاه هستند به طوری که دیدگاه پاسخ گویی یا مباشرت معنادار نمی باشد. در مقابل ارتباط سهامداران با امور شرکت بزرگ حداقل می باشد و آن ها بنابراین وابسته به اطلاعاتی هستند که توسط مدیریت برای آن ها گزارش شده است.

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooen.com](http://www.kandooen.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

[www.kandooen.com](http://www.kandooen.com)

[www.kandooen.com](http://www.kandooen.com)

[www.kandooen.com](http://www.kandooen.com)

### تئوری بنگاه:

تئوری بنگاه در پاسخ به موارد نقص دیدگاه سرمایه مربوط به شرکت سهامی شکل گرفته است. ویلیام پاتون طرفدار آمریکایی این تئوری می باشد این تئوری با این حقیقت شروع می شود که این شرکت سهامی یک واحد اقتصادی مجزا با هویت مربوط به خود می باشد. اگر یک فروشنده بستنی ثبت های حسابداری جداگانه ای را برای تجارت خود در نظر بگیرد این ضرورتاً به این معناست که او دیدگاه تئوریک واحد تجاری مستقل را در نظر بگیرد حتی تحت مفهوم سرمایه جدا بودن تجارت از امور شخصی اثبات شده است.

اگرچه تئوری بنگاه به طور خاصی برای حسابداری شرکت سهامی مناسب باشند طرفداران معتقدند که این تئوری برای شرکت های تضامنی شرکت های مالکیت فردی و حتی برای سازمان های غیر انتفاعی به کار می رود. سوال این است که آیا حساب ها و معاملات باید از دیدگاه بنگاه به عنوان واحد عملیاتی طبقه بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند یا این که آیا روش ها و اصول حسابداری باید از دیدگاه بهره واحد از جمله مالکیت فردی شکل بگیرد. واحد سازمان حسابداری عمدتاً نگران این بنگاه می باشد

برای هر شرکت تجاری پاتون می گوید: این تجارت می باشد که دفتردار تاریخچه مالی و حسابداری سعی می کنند ثبت کنند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند دفاتر و حساب ها ثبت تجاری هستند صورت های دوره ای عملکردها و شرایط مالی گزارش موسسه تجاری هستند.

درست است که این بنگاه یک فرد نیست و نمی تواند با توافق خودش عمل کند این بنگاه یک موسسه می باشد اما با این وجود پاتون می گوید این بنگاه چیز واقعی می باشد و وجود واقعی و قابل اندازه گیری دارد. برای یک شرکت سهامی وقتی سهام عادی صادر می شود عمر شرکت به

عمر سهامداران وابسته نیست. باعث گسترده تر از دیدگاه حسابداری می فهمیم که یک بنگاه به عنوان هربخشی از منافع اقتصادی تعریف شده که ماهیت جداگانه ای دارد.

### دو دیدگاه واحد اقتصادی مستقل (بنگاه):

هنگامی که موقعیت واحد اقتصادی مستقل را در نظر می گیریم هدف حسابداری چیست؟ دو نوع تئوری بنگاه موجود می باشد و هر کدام منجر به نتیجه یکسانی می شوند که مباشرت یا پاسخگویی از اهمیت اولیه آن می باشد نوع سنتی تئوری بنگاه شرکت تجاری را به عنوان واحد عملیاتی در نظر می گیرد که در آن سهام داران وجوه را برای موسسه تجاری تامین می کنند بنابراین این بنگاه باید حسابداری را برای سهامداران انجام دهد و وضعیت و نتایج سزمایه گذاری آن ها را گزارش کند این تفسیر جدیدترین بنگاه را به عنوان واحد تجاری برای خودش در نظر می گیرد و به وجود آن علاقه مند است. از آنجایی که این بنگاه تجاری حسابداری را برای سهامداران انجام می دهد تا این که شرایط قانونی را درک کنند و همچنین رابطه مطلوب را با آنها حفظ کند و در چنین موردی ممکن است وجوه بیشتری در آینده مورد نیاز باشد.

اگرچه هر دو نوع این تئوری بر روی بنگاه به عنوان یک واحد مستقل نگاه می کنند. این دیدگاه سنتی سهام داران را به عنوان یک عضو پیوسته در تجارت در نظر می گیرد در حالی که دیدگاه جدیدتر آن ها را به عنوان افراد بیگانه تلقی می کند. این محتوای اطلاعاتی صورت های حسابداری برای تصمیم گیری که در سال های اخیر مورد تاکید قرار گرفته اند به سادگی می توانند با هر دو تفاسیر بنگاه سازگاری داشته باشند.



## ترازنامه:

ارزش جدید مالک مفهوم معناداری نیست زیرا این واحداقتصادی مورد توجه می باشد. مالکان و

پستانکاران

به عنوان سهامداران و تامین کنندگان وجوه می باشند معادله حسابداری به شرح زیر است:

دارایی ها = حقوق صاحبان سهام

پاتون معتقد است که معادله بالا بیان کاملاً منطقی وضعیت شرکت می باشد. حقوق صاحبان سهام

حقوق یا ادعاهای مربوط به دارایی های واحد تجاری را ارائه می کند. پستانکاران به طور خاص

ادعای قابل تعیینی را دارند و سهام داران در رابطه با دارایی ها در مورد انحلال ادعای بیشتری

را دارند اما از دیدگاه واحد تجاری هر دو آن ها تامین کنندگان وجوه می باشد. سهامداران هیچ ادعایی

را نسبت به هرگونه دارایی خاص و حتی درآمد شرکت ندارند آن ها نسبت به کل دارایی ها و

سود سهام حق و حقوقی دارند و این زمانی است که توسط هیئت مدیره اعلام شود و این ها حقوقی

هستند که از طریق توافق قراردادی به دست می آید

و این به علت مالکیت نیست.

ترازنامه دارایی های واحد تجاری را نشان می دهد که پاتون به ارائه صورت مستقیم ارزش

برای واحد تجاری و حقوق صاحبان سهام اشاره داد. و او آن را با بیان غیر مستقیم کل ارزش می

نامد. دارائی ها متعلق به شرکت هستند و بدهی ها تعهدات شرکت هستند نه مالکان این موضوع

مورد بحث قرار گرفته زیرا مبلغ سرمایه گذاری شده توسط سهام داران باید محاسبه شود و این

هدف به طور منطقی منجر به استفاده از هزینه تاریخی برای دارایی های غیر پولی منجر می

شود زیرا کل حقوق سمت راست ترازنامه باید با سمت چپ آن برابر باشد. بعد از دستیابی به وجوه

ارائه شده توسط سهام داران شرکت این وجوه را در دارایی ها سرمایه گذاری می کند و برای

دارایی های غیر پولی این موضوع قسمت اصلی خرید می باشند . اما مسئولیت محاسباتی ضرورتا اثر میزان اصلی سرمایه گذاری را به کار نمی گیرد . سهام داران هم چنین به تغییرات در ارزش سرمایه گذاری علاقه مند هستند . طرفداران ارزش جاری اشاره می کنند که تئوری بنگاه فرض می کند که سرمایه گذاران به حد کافی به موسسه تجاری نزدیک نیستند تا اصلاحات خود را در مورد ارزش انجام دهند بنابراین مسئولیت محاسباتی باید بیان کند که این اصلاحات یعنی تغییرات در ارزش ها گزارش شده اند هم چنین بحث شده که این واحد مستقل تجاری نیاز دارد که ارزش جاری دارایی را به منظور تصمیم گیری درست بشناسد .

تحت مفهوم مالکیت تعیین ارزش خالص مالک در تجارت از نگرانی عمده ای برخوردار است و بنابراین ترازنامه از اهمیت بالایی برخوردار می باشند برای تئوری بنگاه بر روی تعیین درآمد تاکید شده و در نتیجه سودوزیان تا حد زیادی با ترازنامه در ارتباط می باشد . تاکید بر درآمد به دو دلیل می باشد :

۱- سهام داران اساسا به درآمد علاقه مند هستند زیرا این میزان نتیجه سرمایه گذاری آن را طی دوره

نشان

می دهد و دلیل دیگر برای وجود شرکت ایجاد سود می باشد و این ضرورتا برای بقای شرکت می باشد درآمد با انجام کارهای موسسه به وجود می آید . درآمد به عنوان جریان ورودی دارایی ها به علت معاملات انجام شده توسط شرکت با توجه به تولید آن تعریف شده است . هزینه طبق تئوری مالکیت با هزینه نهایی ایجاد شده توسط مالک در ارتباط می باشد که ارزش خالص را کاهش می دهد بر طبق تئوری بنگاه هزینه تا هزینه دارایی ها دیگر خدماتی در ارتباط می باشد که شرکت از آن ها استفاده کرده تا طی این دوره درآمدی را کسب کند . مفهوم مالکیت سمت راست ترازنامه را مورد تایید قرار می دهد یعنی P در معادله حسابداری اما مفهوم بنگاه به سمت چپ ترازنامه توجه دارد

یعنی دارایی ها. علت این است که دارایی ها به عنوان چیزهای واقعی هستند که شرکت با آن ها سروکار دارد در صورتی که حقوق صاحبان سهام بیشتر انتزاعی هستند و با ادعاهای مربوط به دارایی ها در ارتباط می باشند و یک روش غیر مستقیم بررسی ارزش دارایی ها می باشند .

دارایی ها و هزینه ها ضرورتاً ماهیت یکسانی دارند آن ها خدمات را ارائه می کنند فقط یک سوال وجود دارد که آیا این خدمات به طور تمام و کمال مورد استفاده قرار گرفته یا برای استفاده آتی باقی می مانند. ویژگی اساسی درآمد این است که دارایی بیشتری را ایجاد می کنند پاتون ولیتون می گویند تئوری حسابداری باید مفاهیم درآمد و هزینه را طی دوره تغییرات دارایی موسسه تجاری توصیف کند تا این که حقوق صاحبان سهام سهامداران یا مالکان را افزایش یا کاهش دهد. درآمد باعث افزایش دارایی می شود در صورتی که هزینه ها دارایی ها را کاهش می دهند .

درآمد متعلق به شرکت است اگر چنین است چرا بعداً به سود انباشته تلقی شده اگرچه متعلق به سهام داران است . پاتون ولیتون بحث کرده اند که سهامداران ادعای قراردادی نسبت به کل دارایی ها دارند و به این علت است که درآمد جایگزین سود انباشته می شود . سهامداران مازاد بر مصرف را به دست می آورند و مابقی وقتی نقدینگی شرکت را به پستانکاران پرداختیم به دست می آید این توصیف بانسخه متداول تئوری بنگاه تکوین می شود تفسیر جدیدتر حساب سود انباشته را به عنوان حقوق صاحبان سهام شرکت یا سرمایه گذاری در آن در نظر می گیرد .

اگر دیدگاه متداولی مربوط به تئوری بنگاه با هدف منطقی دنبال شده باشد بعداً هزینه های بهره توزیع درآمد را بیشتر از هزینه مورد توجه قرار می دهد آن ها پرداخت ها به پستانکاران هستند همانند سود سهام که به سهام داران پرداخت می شود زیرا پستانکاران و سهام داران در تئوری بنگاه در یک موقعیت مشابه قرار دادند. تامین کنندگان وجوه هزینه های بهره و سود سهام در یک

مجموعه قرار می دهد برخی افراد می گویند که مالیات بر درآمد توزیع درآمد می باشد تئوری دانان مالکیت اشاره می کنند که مالکیت بر درآمدها برای خدمات خاص دولتی پرداخت شده از جمله این موارد حفاظت در مقابل قدرت های خارجی تنظیم سطح رقابت جلوگیری از عملکردهای نامشروع و... هزینه های تجاری می باشند. اما پاتون نتیجه گرفت که مالیات ها هزینه را برای اقلام یا خدمات خاص ارائه نمی کنند اما ناچار هستند علاوه بر این پرداخت ها نسبت مستقیمی با هرگونه مزایای به دست آمده از دولت ندارند. توزیع دولت در مقابل موفقیت شرکت عاملی است که به طور کلی خارج از محدوده بازار می باشد. هنوز برطبق تعریف مالیات بر درآمدها سهمی از درآمدرا تشکیل می دهند و بنابراین دولت بدون فراهم کردن هرگونه سرمایه حقوق قابل اعمالی را در شرکت به دست می آورند. پاتون معتقد است مالیات بر درآمدها باید به عنوان زیان ناشی از درآمد در نظر گرفته شوند نه به عنوان هزینه.

برطبق صورت جدیدتر تئوری بنگاه شرکت در حال تجارت می باشد و پرداخت ها هنگام استفاده از پول هزینه هامی باشد زیرا پستانکاران و سهام داران گروه های خارجی را مورد توجه قرار دادند بنابراین هزینه های بهره و سود سهام همانند مالیات بر درآمدها هزینه های موسسه تجاری هستند آن ها میزان حقوق صاحبان سهام موجود در بنگاه را کاهش می دهند بر طبق این تئوری مالیات مضاعف وجود ندارد. زیرا این شرکت موسسه تجاری مجزا از سهام داران می باشند. بنابراین به طور قابل قبول هر بنگاه باید بر طبق درآمدهای خود مالیات بر درآمد پردازد افراد دنباله رو تفسیر جدیدتر تئوری بنگاه نتیجه گرفتند که سود سهام به شکل سهام اضافی باید مالیات آن به دریافت کننده پرداخت شود زیرا سود سهام از سود انباشته ناشی شده که متعلق به بنگاه می باشد نه سهامداران. سهام داران چیزی را از بنگاه دریافت می کنند که قبلا دریافت نکرده اند.

اثر عملکرد:

عملکرد دردنبال کردن اثرات تئوری بنگاه و مالکیت ثابت نیست اثر هر دوی آن ها در کنار هم وجود دارد تئوری حسابداری متداول بر مبنای مفهوم بنگاه می باشد هنوز به نظر می رسد دیدگاه مالک اثربیشتری را بر روش های موجود داشته باشد مثلا بر اثر مفهوم مالکیت عملا امروزه هزینه های بهره هزینه را مورد توجه قرار داده و سود های سهام توزیع درآمد می باشند هنگام تعیین سود یا زیان قدرت خرید زمانی که معیار ثابت دلار مورد استفاده قرار می گیرد دیدگاه تئوری بنگاه نیاز به کار گرفتن شاخص قیمت گالاهای تولیدکنندگان وجود دارد. برای حسابداری هزینه جاری اگر دیدگاه بنگاه دنبال شود تغییرات در ارزش بدهی ها به عنوان سود یا زیان غیر عملیاتی تلقی نمی شوند و تنها تغییرات در مورد هزینه دارایی ها می باشد زیرا بدی هاهمانند حساب های سرمایه توزیع شده حقوق صاحبان سهام هستند به این ها توجهی نشده زیرا چنین تغییراتی در ارزش برگردش وجوه نقد شرکت تاثیری ندارند. اولاً کاربرد جدی تئوری بنگاه به دیدگاه سرمایه فیزیکی اشاره دارد که در آن جا هیچ گونه سود غیر عملیاتی تشخیص داده نشده است.

تئوری بنگاه بر روی برخی روش ها تاثیر دارد مثلا حقوق کارمندان شرکت که سهام داران هستند هزینه در نظر گرفته می شود در تلقین صورت های مالی از رویکرد تئوریک بنگاه استفاده می شود جایی که دیدگاه بنگاه تلفیق شده مورد توجه می باشد استفاده از مراکز هزینه و سود برای اهداف داخلی بر طبق مفهوم بنگاه فرض شده اند.

تئوری وجوه مستقل:

ویلیام واتر یک دیدگاه تئوریک را پیشنهاد کرده که بیشتر بر روی شخصیت توجه دارد تا وجوه غیرشخصی تئوری مالکیت دیدگاه مالک را مورد توجه قرار می دهد که انگار یک شخص باشد. واتر مخالف هر دو مورد می باشد زیرا او معتقد است که پیش بینی شخصی منجر به تفاسیر خاص و روش های ارزیابی می شود کمبودها در این مبنای خصوصی شده برای حسابداری این است که محتوای گزارش های حسابداری می خواهد از طریق قیاس های شخصی تاثیر پذیرد .

دیدگاه های شخصی در مقابل عینیت اطلاعات حسابداری سهم تیسند (نقشی ندارند) یک وجه مستقل واحد عملیات مرکز بهره می باشد و اهداف خاص و مجموعه فعالیت هارا دارد و از دارایی ها و حقوق صاحبان سهام تشکیل شده است این وجه مستقل عاری از هرگونه نگرش در مورد ارزیابی های شکل و محتوای صورت های مالی می باشد . معادله حسابداری وجوه مستقل به شرح زیر است:

دارایی ها = محدودیت ها در دارایی ها

هر وجه مستقل اجرای برخی اهداف را مورد توجه قرار می دهد . نشان داده شده در دارایی ها ابزار اولیه برای دستیابی به این هدف می باشند . و اثرات تفسیر عمومی حقوق صاحبان سهام مخالف است اما به آن ها به عنوان محدودیت های دارایی نگاه می کند حتی رهن کنندگان بر روی دارایی خاص ادعایی ندارند . بدهی ها پرداخت های آتی را ارائه می کنند و ادعاهای مربوط به دارایی رانشان نمی دهند بنابراین اهمیت بدهی ها محدودیت هایی است که آن ها بر روی وجوه دارایی ها اعمال می کنند. حقوق باقی مانده یا حقوق مالکان محدودیت نهایی دارایی هارانشان می دهد و تساوی دارایی و بدهی رانشان می دهد و از محدودیت های دارایی اصطلاح عمومی را برای تمام سازمان ها ایجاد می کند .

برطبق تئوری وجوه ترازنامه صورت موجودی دارایی ها می باشد و این محدودیت های مربوط به دارایی ها هستند تنظیم اطلاعات و روش های ارزیابی برطبق هدفی که ترازنامه مورد استفاده قرار گرفته متغیر می باشند مثلاً ترازنامه برای اهداف بستانکار با ترازنامه ارائه شده به سهام داران فرق دارد .

درآمد افزایشی رادر دارایی ها نشان می دهند که در آن وجوه مستقل کاملاً عاری از محدودیت های حقوق صاحبان سهام می باشند دیگر معاملات ممکن است کل دارایی ها را افزایش دهند اما همیشه محدودیت همزمان وجود دارد برای مثال فروش اوراق قرضه دارایی های جدید را به وجود می آورد اما هم چنین محدودیتی را در کل دارایی ها ایجاد می کند و این به علت پرداخت آتی اصل و بهره ی آن می باشد. دریافت هدیه محدود نشده یا میراث درآمد می باشد اما اگر برای استفاده کردن محدود شده باشد در این صورت اصل آن باید قطعاً حفظ شود و بعداً این درآمد نمی باشد به هر حال بهره یا سود سهام در مورد سرمایه گذاری محدود نشده و در نتیجه برای وجوه مستقل درآمد می باشد.

هزینه ها کاهش خدمات را برای اهداف تعیین شده نشان می دهند که به عنوان هدف وجوه مستقل مشخص شده اند این تعریف نظر هزینه درآمد تولید را دربر می گیرد و بدین معناست که گسترده تر بوده و در سازمان های غیرانتفاعی قابل اجرا باشد.

واتر به مفهوم درآمد اعتماد زیلدی ندارد او مشکلات زیادی را در تعیین آن مشاهده می کند و معتقد است که حسابداران این مطلب را بیش از حد مورد تاکید قرار داده اند.

درآمد نمی تواند تمام تقاضاهای مهم را برآورده کند و هدف کلی شکل درآمد در استفاده آن محدود شده است به جای صورت سود و زیان که باخط زیرین پایان می یابد و اثر صورت حسابی پیشنهاد کرده که اطلاعات به طریق گزارش شده که کاربران می توانند شکل درآمد را محاسبه کنند که برای

اهداف آن ها معنادار می باشد اما بیشتر باید به گردش وجوه نقد توجه داشت تا درآمد تئوری وجوه چارچوب منابع را برای سازمان های غیرانتفاعی و دولتی ارائه می کند و اثر در نظر دارد که حسابداری وجوه مربوط به موسسه تجاری هستند که او تنها پذیرش محدود را در این بخش دریافته است . مثال هایی از قابل اجرا بودن این تئوری از جمله وجوه استهلاکی این شرکت تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش و حسابداری اموال موروثی و ودیعه می باشند.

#### تئوری مدیر:

گلدبرگ اظهار داشت که هر دوی تئوری های بنگاه و مالکیت بر مبنای نظر مالکیت می باشند که تعریف و تجزیه و تحلیل مفهوم آن متکل می باشد به جای مالکیت او معتقد است که باید به کنترل اقتصادی منابع توجه کرد ما می خواهیم این بنگاه را خصوصی کنیم اما نباید فراموش کنیم که انسان ها واقعا فعالیت ها را به خاطر بنگاه به عهده می گیرند . اخیرا مردم به خاطر دیگر افراد متعهد می شوند که فعالیت ها را انجام دهند و تصمیمات توسط افراد خاص یا گروه های افراد گرفته می شود با در نظر گرفتن تئوری وجوه گلدبرگ از خود پرسید که چرا واحد حسابداری باید فاقد اثرات شخصی باشد و اشاره کرد که فرآیندها و روش های حسابداری توسط مردم انجام می شوند او می گوید مشکل است که درک کنیم که چگونه هر ویژگی حسابداری می تواند به طور کلی فاقد تمام اثرات شخصی باشد .

ما باید به عملکرد کنترل توجه کنیم و این صرفا توسط افراد انجام می شود واحد تجربه و دیدگاه مورد نظر شامل یک فرد یا گروه افراد می باشد که قدرت به کار گرفتن منابع دارند شخصی که چنین قدرتی دارد یعنی کسی که کنترل بر روی منابع دارد از نظر گلدبرگ یک فرمان دار می باشد نظر فرمان دار به ما این توانایی را میدهد تا به تفاسیر واقعی اهداف و عملکردهای حسابداری دست یابیم یک مالک صرفا فرمانده هست . تئوری مالکیت ویژگی مالکیت را مورد تاکید قرار می دهد اما



چیزی که بیش از حد نادیده گرفته شده این است که این مالک منابع شرکت خود را تحت کنترل دارد توانایی او این است که به آن ها دستور بدهد تا درآمد کسب کند مالکیت با رابطه قانونی در ارتباط می باشد اما کنترل یک عملکرد اقتصادی هست بیش از حد بر روی مالک به عنوان مالک تاکید شده تا مدیر.

در یک شرکت بزرگ سهام دار مالک بخشی از شرکت می باشد اما او هیچ گونه کنترلی بر روی منابع شرکت ندارد به هر حال او بر روی منابع خودش احاطه دارد و در نتیجه یک فرمانده می باشد. تسلط بر منابع شرکت در دست ریاست فرماندهان می باشند هر مدیر کنترل محدود شده کم یلزیادی را بر روی برخی صنایع دارد. یکی یا تعداد کمی از آن ها تسلط کلی بر روی تمام منابع دارند.

همانطور که گلدبرگ این نکته را می پذیرد عملکردهای حسابداری از طرف فرماندهان انجام گرفته اند صورت های حالی تهیه شده و افراد این گزارش ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. روش های حسابداری بیشتر از دیدگاه مدیر اصلی شرکت مورد توجه قرار گرفته اند تا از دیدگاه مالک یا موسسه تجاری یا وجوه مستقل اگر ترازنامه توسط مدیر شرکت آماده شده باشد بعداً این صورت حسابی است که منابعی را نشان می دهد که از طریق آن مدیر منابع و کاربردهای منابع را دریافت کرده است همانطور که دیده شده ترازنامه صورت حساب و با شرکت می باشد تا صورت حساب مالکیت و این ترازنامه صورت محاسباتی می باشد. ترازنامه گزارشی است که منابع و اگذار شده به مدیر را نشان می دهد که کنترل می کند اما ضرورتاً مالک آن نیست منابع کنترل شده توسط افراد یعنی رئیس اجرایی و گروه او آن ها توسط افراد تامین شده اند یعنی بستن کاران و سهام داران به آن ها عادت دارند چیزهایی را از افراد بخرند تا ادعاهای افراد را تامین کنند. صورت سود و زیان توضیح نتایج فعالیت ها طی یک دوره می باشد که توسط مدیر

و گروه او پذیرفته شده است. این نتایج از دیدگاه مدیر می باشند او این موارد را به طور مفصل اما به شکلی خلاصه توضیح می دهد که چه نوع هزینه ای متحمل شده و نتیجه آن چیست. تئوری مدیر اثر مستقیمی بر عملکرد حسابداری دارد به هر حال از آن جایی که مفاهیم تئوری های بنگاه و مالکیت امروزه عملاً در کنار هم قرار دارند. که به نظر می رسد مغایر هم می باشند. نظر کنترل اقتصادی، که تئوری آن را مورد تأکید قرار داده می تواند مبنایی برای تلفیق و توجیه منطقی استفاده ی همزمان از روش های مربوط به تئوری های بنگاه و مالکیت باشد.

تئوری سرمایه گذار بر اساس اهداف حسابداری در رابطه با ارائه اطلاعات برای تأمین کنندگان سرمایه، استاباس می گوید که عملکردهای حسابداری و صورت های مالی دیدگاه سرمایه گذاران را مد نظر قرار می دهند. سرمایه گذاران سهام داران و بستانکاران هستند. معادله ی حسابداری بر طبق این تئوری به شرح زیر می باشد:

دارایی = حقوق ویژه ی صاحبان سهام + حقوق باقی مانده (حقوق سهام داران عادی) حقوق صاحبان سهام خاص، بدهی ها و سهام ممتاز می باشند. در اکثر موارد برای یک شرکت حقوق باقیمانده با حقوق سهام عادی برابر می باشد. تنها در صورتی که حقوق سهام عادی، سهام ممتاز را به طور کلی از بین ببرد صاحبان سهام به حقوق باقیمانده تبدیل می شود. این معادله حسابداری وابستگی حقوقی صاحبان سهام به حقوق باقیمانده تبدیل می شود. این معادله حسابداری وابستگی حقوق باقیمانده را به ارزش های دارایی ها و حقوق خاص نشان می دهد.

سرمایه گذاران اطلاعاتی را می خواهند تا اینکه دریافت های نقدی آتی را به عنوان نتیجه رابطه آن ها با شرکت خاص پیش بینی کند. استاباس اظهار می کند که دریافت های نقدی آتی سرمایه گذاران به موارد زیر بستگی دارد:

۱- ظرفیت های پولی کشور به منظور پرداخت نقدی

۲- تمایل مدیریت برای پرداخت به سرمایه گذاران

۳- اولویت قانونی ادعای سرمایه گذار.

اطلاعات در مورد سومین فاکتور می تواند توسط سرمایه گذار خارج از محدوده صورت های مالی بدست آید . اطلاعات در مورد دومین فاکتور به طور غیر مستقیم از طریق دانش نیاز های نقدی شرکت برای جایگزینی یا گسترش مشتق شود . صورت های مالی می توانند این موضوع را توضیح دهند تا به سرمایه گذاران کمک کننده به تمایل شرکت برای پرداخت نقدینگی به آن ها را ثابت کند . اولین فاکتور با دارایی نقد شرکت در ارتباط است و این زمانی است که سرمایه گذاران انتظار دارند به آن ها پول نقد پرداخت شود . صورت های مالی می توانند مبنایی را برای پیش بینی مبالغ نقدی آتی ارائه کنند .

تئوری سرمایه گذار ، نیازهای کاربران خارجی به ویژه سهامداران را مورد تاکید قرار می دهد . اگر چه تئوری مالکیت هم شامل سهامداران می باشد آن ها به عنوان مالکانی هستند که قدرت بیشتری نسبت به اکثر شرکت ها دارند . تئوری استاباس سهامداران را به عنوان سرمایه گذاران با قدرت ناچیز در نظر می گیرد تا تعیین کند چه اتفاقی در شرکت می افتد و بنابراین باید به صورتهای مالی متکی باشند . به علت توجه به سرمایه گزاران نیاز به اطلاعات در زمینه گردش وجوه نقد دقیقاً مشخص شده است . تأثیر این دیدگاه در مفهوم شماره ۱ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB) دیده شده که در آن سرمایه گذاران به اطلاعات نیاز دارند ، تا گردش وجوه نقد آتی را پیش بینی کنند .

## تئوری بنگاه

با پذیرفتن اثری از نوشته های پیتر دراگر ، که او مشاهده کرد شرکت بزرگ موسسه ای با مسئولیت های اجتماعی می باشد ، سوجانن این تئوری بنگاه را تشکیل داد . این موسسه به عنوان موسسه اجتماعی در نظر گرفته شده که در آنجا تصمیمات گرفته شده بر روی تعدادی از گروه های علاقمند تأثیر می گذارند . اینها سهامداران ، کارمندان ، بستانکاران ، مشتریان ، نمایندگان دولتی و عموم مردم می باشند . مفهوم بنگاه گسترده تر از مفهوم موسسه تجاری می باشد . زیرا مورد قبلی شرکتی را در نظر می گیرد که نقشی را در جامعه دارد ، در صورتیکه مورد بعدی شرکت را به عنوان یک موسسه تجاری مجزا در نظر می گیرد که به دنبال ایجاد سود می باشد .

سوجانن بحث می کند که امروزه مدیریت ، خودش را به سادگی به عنوان نماینده سهامداران مورد توجه قرار نمی دهد اما به عنوان نگهبان شرکت مسئول بقا و رشد آن می باشد . در چنین موردی ، مدیران عملکرد واسطه را بین گروه های مختلف انجام می دهند اگر چه سهامداران حقوق قانونی نسبت به محصلان دارند از دیدگاه بنگاه حقوق آن ها برای سازمان و بقای آن مکمل می باشد . کسانی که از قرار داد با موسسه تجاری در آمد کسب می کنند یعنی ، سهامداران ، بستانکاران ، کارمندان و دولت ، سهم مهمی را در شرکت دارند و شرکت هم مسئولیتی را در قبال آنها دارد . این مسئولیت به طور مستقیم با عملکرد شرکت در استفاده از منابع مادی ، بشری و پولی در زمینه فرآیند توزیع و تولید در ارتباط می باشد .

## درآمد ارزش افزوده :

از نظر یک موسسه اجتماعی شرکت های بزرگ باید بر طبق مسئولیت ذکر شده در بالا ارزیابی شوند که با بازده آن در ارتباط می باشد . زیرا این مورد توزیع آن برای جامعه می باشد . سوجانن

معتقد است که رویکرد ارزش افزوده در زمینه در آمد به بهترین نحو این توزیع را نشان می دهد و عقیده این است که ارزش به وجو آمده توسط شرکت را در یک دوره معین ، تعیین کننده سوجانن یک صورت حساب مکمل را پیشنهاد می کند تا ارزش افزوده و منبع آن یا توزیع بین شرکت کنندگان بنگاه را نشان دهد در سال ۱۹۷۵ ، کمیته هدایت و نظارت حسابداری در بریتانیا ، توصیه کرد که شرکتها ، صورت حساب ارزش افزوده را به عنوان اطلاعات مکمل در نظر می گیرند . تخمین زده شده که حداقل ۱/۵ شرکت های لیست شده در بریتانیا ، اکنون چنین صورت حسابی را منتشر می کنند . ارزش افزوده معیار عملکرد می باشد ، معیار ارزش یا ثروتی که در یک دوره معین از طریق موسسه تجاری به وجود می آید . روش دیگر ارزیابی این است که بگوییم این روش عملکرد شرکت کنندگان در بنگاه را ارزیابی می کند - کارمندان ، تأمین کنندگان وجوه سرمایه ( سهامداران و بستانکاران ) و دولت - که سعی می کنند تا ثروت اضافی را به وجود آورند . در آمد حسابداری سنتی معیاری از ثروت می باشد که برای منافع سهامداران به وجود آمده است . رویکرد ارزش افزوده در آمد را به عنوان نتیجه تلاش مشارکتی تعدادی از شرکت کنندگان مورد بررسی قرار می دهد . مورلی معتقد است که مفهوم ارزش افزوده تا حد زیادی مهم شده زیرا تغییر اجتماعی را منعکس می کند سهامداران ، قدرت کمتری دارند و دولت و کار سازماندهی شده از قدرت بیشتری برخوردارند .

چگونه ارزش افزوده محاسبه می شود ؟ اقتصاد دانان ارزش افزوده را اساساً بر طبق تعیین در آمد ملی مورد بررسی قرار می دهند و بنابراین با روشی که حسابداری به کار می گیرد متفاوت می باشد . مثلاً یک اقتصاد دان با بازده کل قیمت فروش شروع می کند در حالیکه اکثر حسابداران ترجیح می دهند از شکل فروش استفاده کنند . زیرا این چیزی است که مشتریان معمولاً می خواهند در قبال تولید شرکت پردازند به طور کلی ، اصول پذیرفته شده ای برای صورت حساب ارزش افزوده

**جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

وجود ندارد و در نتیجه تفاوت هایی به چشم می خورد در زیر مثالی از صورت حساب ارزش افزوده آمده است که با صورت حساب سود و زیان مقایسه شده است .

صورت حساب سود و زیان

( قراردادی )

۵۰۰ دلار

فروش

کسر می شود :

۱۰۰ دلار

مواد و عرضه مورد استفاده

۴۰ دلار

گرما، نور و قدرت

۱۰۰ دلار

حقوق و دستمزد

۲۰ دلار

هزینه بهره

۳۰ دلار

هزینه استهلاک

۲۹۰

۲۱۰ دلار

در آمد قبل از مالیات

۱۰۰

۱۱۰ دلار

مالیات بر در آمد

سود خالص

۵۰

۶۰ دلار

کسر می شود

سود سهام

سود انباشته

صورت حساب ارزش افزوده

فروش	۵۰۰ دلار
کسر می شود : مواد ، عرضه و خدمات مورد استفاده ( ۳۰ + ۴۰ + ۱۰۰ )	۵۰
ارزش افزوده	۶۰ دلار
به کارمندان	۱۰۰ دلار
به تامین کنندگان سرمایه	
سود سهام	۵۰ دلار
بهره	۲۰ دلار ۷۰ دلار
به دولت	۱۰۰ دلار
به مؤسسه تجاری برای گسترش سود انباشته	۶۰ دلار
ارزش افزوده	۳۰۰ دلار

بنابراین مبلغ کالا و خدمات خریداری شده از دیگر شرکت ها کسر تا به سود انباشته برسیم . یکی از موضوعات بحث برانگیز این است که آیا این کسر کردن ( تفریق ) هزینه استهلاک را شامل می شود . افراد زیادی معتقد هستند که از این مورد باید صرف نظر کرد ، زیرا مبلغ آن ارزیابی شده و مشمول بودن آن در نتیجه عینیت و اطمینان را در شکل ارزش افزوده کاهش می دهد . اگر از استهلاک صرف نظر شود ، بعداً تحت عنوان توزیع به موسسه برای جایگزینی و گسترش اضافه می شود . اکثر شرکت ها در بریتانیا از استهلاک مواد و خدمات مورد استفاده صرف نظر می کنند . این رویکرد " ناخالص " می باشد ، که مشابه با تولید ناخالص ملی است ، همانند رویکرد " خالص " که مشابه در آمد خالص ملی می باشد .

مثال ما به چند دلیل کسر کردن استهلاک را شامل می شود. یکی اینکه صرف نظر کردن از آن نشان می دهد که این ارزش بدون سود کارخانه ایجاد شده و تجهیزات از شرکت های دیگر خریداری شده اند. ماشین آلات و تجهیزات محصول شرکت های دیگر هستند و بنابراین، با دیدگاه ارزش به وجود آمده صرفاً از طریق شرکت سازگاری دارند، هزینه تخصیص باید کسر شود. کسر کردن استهلاک و دیگر کالاها و خدمات خریداری شده از دیگر شرکت ها، استفاده شده طی این دوره، با اصول تعهدیو تطابق سازگاری می باشد. اگر چه صرف نظر از استهلاک در هنگام کسر کردن از ارزش های فروش عینیت شکل ارزش افزوده را کاهش می دهد، بدون آن اشتباه در نتیجه گیری به وجود می آید. مثلاً اگر سهامداران سرمایه جدید را تأمین کنند تا به شرکت این توانایی را بدهند که ماشین آلات خود را نو کند، بنابراین با افزایش تولید و فروش، ارزش افزوده افزایش می یابد، که کارمندان را ترغیب می کند تا به دنبال سهمی از این افزایش باشند. اگر این افزایش بر مبنای ارزش افزوده ناخالص باشد بدون تشخیص میزان بالاتری از استهلاک، در این صورت کارمندان ممکن است در مقابل آنچه که سهامداران مسئول هستند بستانکار شوند. مبنای خالص، تفصیر دقیق تری را مورد این بهبود نشان می دهد.

ارزش افزوده بین تأمین کنندگان وجوه سرمایه، کارمندان، دولت و خود مؤسسه تجاری تقسیم می شود. شرکت تمام سود انباشته را برای هدف بقا و رشد مجدداً سرمایه گذاری می کند، و در نتیجه تمام گروهها سود می برند. صورتحساب ارزش افزوده جریان کالاهای فروش رفته، توزیع شرکت به جامعه، را نشان می دهد. این ارزش فروش های شرکت برای تعدادی از گروههای جامعه درآمد می باشد.



## اثرات بعدی

تئوری بنگاه مقدمه مفهوم حسابداری اجتماعی می باشد که صورتحساب سود و زیان یک نوع اشتقاقی می باشد. دیدگاه آن از یک گروه شرکت کنندگان تشکیل شده که از طریق تلاش های ترکیبی آنها در موسسه تجاری در آمد کسب می کنند. نیاز به مدیریت برای اینکه به عنوان یک میانجی بین شرکت کنندگان عمل کند روشن می باشد. نظر تلاش همگانی با نظریه ضدیت مخالف می باشد که هر گروه، گروه دیگر را دشمن تلقی می کند. اگر دولت، کار، سهامداران، بستانکاران و مدیریت به طور جدی دیدگاه تئوری بنگاه را در نظر بگیرند، این است تغییر حساس در روابط کار - شرکت - دولت می باشد. این فلسفه که بنگاه تجاری را مورد تأکید قرار می دهد به نظر می رسد با مدل ژاپنی موسسه تجاری رابطه تنگاتنگ دارد که در آنجا کارمندان در تصمیم گیری نقش شراکتی بیشتری دارند و انتظار می رود دولت به شرکت ها کمک کند.

## نتایج

نظر معمول در مورد حسابداری دیدگاه مالکیت را برای موسسات تجاری کوچک مورد تأکید قرار می دهد و دیدگاه بنگاه را برای موسسات تجاری بزرگ مورد تأکید قرار می دهد .

این نظرات از طریق دیدگاه شرکت کنندگان مختلف در بخش تجاری مورد حمایت قرار گرفته است . سهامداران شرکت های بزرگ با دارایی های کم خودشان را به عنوان مالک نمی بینند. در صورت تأثیر گذاری بر شرکت به عنوان سرمایه گذار تلقی می شود . روسای شرکت خودشان را به عنوان فردی کارآمد برای شرکت در نظر می گیرند تا سهام دار ، آن ها درآمد را مورد توجه قرار می دهند ، به جز سود سهام ، که متعلق به شرکت می باشد . عموم مردم شرکت های بزرگ را مجزا و جدای از سهام داران ، با وجود و هدف خوشان در نظر می گیرند . این نگرش ها تئوری بنگاه را تأکید می کند . از طرف دیگر مالکان انحصاری شرکا و سهام داران با دارایی بالا موقعیت مالکیت را فرض می کنند .

از آن جایی که تئوری حسابداری برای شرکت هایی اداره شده که لازم است صورت های مالی تأیید شوند . معمولاً موسسات تجاری بزرگ ، مفهوم بنگاه به عنوان دیدگاه مناسب تضمین شده است اگر چه مقائهم متفاوت پیش نهاد شده به نظر می رسد باهم در تعارض باشند . این ممکن است که عقاید مهم هر کدام را با تئوری بنگاه به هم پیوند دهد . دیدگاه مالکیت برای ما یادآوری می کند که سهام داران در حقیقت مالکانی هستند که به تأکید ارزش خالص سرمایه گذاری ها در شرکت علاقه مند هستند .

این موضوع به استفاده از روش ارزش جاری اشاره می کند.

تئوری مدیر به این حقیقت توجه دارد که افراد به نمایندگی از طرف شرکت تصمیم گیری می کنند مدیریت بر روی منابع شرکت کنترل اقتصادی دارد و برای سهام داران قابل اندازه گیری می باشد

که این وجوه را برای این منابع تأمین کرده اند. در حقیقت مسئولیت محاسباتی عنصر مهمی در تئوری بنگاه می باشد. واژه بنگاه به عنوان بیان مناسبی برای افراد مورد استفاد قرار گرفته که آنها واقعاً به نمایندگی از طرف شرکت تصمیماتی را می گیرند.

برای اینکه بپذیریم صاحبان سهام هم چنین سهام دارانی هستند که به پیش بینی گردش وجوه نقد علاقمند هستند همانطور که تئوری سرمایه گذاری آن را تأیید می کند، و به سادگی می توانند در تئوری بنگاه مشمول باشند این بدین معناست که این شرکت باید سعی کند که نیازهای سرمایه گذاران را برآورده کند تا گردش وجوه نقد را پیش بینی کند اگر چه تئوری وجوه اساساً برای سازمان های غیر انتفاعی قابل کاربرد می باشد تأکید بر روی گردش وجوه به نوع اطلاعاتی اشاره می کند که سرمایه گذاران آن را سودمند می یابند .

تئوری بنگاه شامل فلسفه ی اقتصادی اجتماعی می باشد که با تئوری مؤسسه ی تجاری متفاوت می باشد . در این جا می بینیم که سهام داران ، بستانکاران ، کارمندان دولت به عنوان افراد بیگانه و مدیران افراد داخل سازمان هستند که به بنگاه علاقه دارند. موارد قبلی تمام گروه های علاقه مند را مورد توجه قرار می دهند که می خواهند با مدیریت شراکت کنند و به عنوان واسطه بین آنها کار کند. آنها از طریق مؤسسه ی تجاری درآمد کسب می کنند و بنابراین می خواهند به تجارت ادامه دهند. ملتون فردمن می گوید: تنها یک مسئولیت اجتماعی مؤسسه تجاری وجود دارد- تا از منابع آن استفاده کنند و در فعالیت هایی درگیر شوند تا سود را افزایش دهند.

به هر حال فرضیه هایی که تئوری بنگاه را مورد تأکید قرار می دهند با هدف شرکت برای ایجاد سود مغایرت ندارند بعد از تمام این ها سهام داران و دولت چگونه از طریق شرکت درآمد کسب می کنند در پایان یک شرکت بدون سود باقی می ماند در تمام شرکت کنندگان خرد می کنند

دیدگاه تئوری مؤسسه ی تجاری لازم نیست که با تئوری بنگاه در تضاد باشند. این بنگاه شامل

سهام داران، بستانکاران و دولت می باشد.

سؤالات:

۱- با توجه به تئوری مالکیت،

الف) هدف شرکت چیست؟

ب) مفهوم مباشرت چقدر اهمیت دارد؟

ج) رابطه بین دارایی ها/ بدهی ها و مالک چیست؟

د) چگونه درآمدها، هزینه ها و سود را تعریف می کنند؟

و) سه اثر عملکرد جاری را ذکر کنید.

ه) محدودیت های آن چیست؟

۲- با توجه به تئوری واحد اقتصادی مستقل

الف) به چه دلیلی به واحد اقتصادی به عنوان واحد محاسباتی توجه می کنیم تا به مالک؟

ب) هدف حسابداری چیست؟

ج) مفهوم ارزش خاص چقدر است؟

د) دلیل اصلاح معادله حسابداری: دارایی ها = بدهی ها چیست؟

و) معنای سود انباشته در معادله ذکر شده در قسمت دال چیست؟

ه) چرا بر تعیین درآمد تأکید می شود؟

ی) تا چه حد مفهوم درآمدها، هزینه ها با تئوری مالکیت با هم فرق دارند؟ و دو مورد هزینه های

بهره، سود سهام و مالیات بر درآمد چگونه؟

ز) سه اثر عملکرد جاری را نام ببرید؟

۳- با توجه به تئوری وجوه مستقل:

الف) محدودیت ها در دارایی چیست؟

ب) چگونه تراز نامه ارزیابی می شود؟

ج) آیا صورتحساب سود و زیان معنادار می باشد؟

۴- با توجه به تئوری مدیر:

الف) مدیر کیست؟

ب) نقش مالک چیست؟

ج) چگونه تراز نامه و صورت سود و زیان مورد بررسی قرار می گیرد؟

۵) بر طبق تئوری سرمایه گذار، سرمایه گذار به چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد؟

۶) با توجه به تئوری موسسه تجاری:

الف) در آمد چیست؟

ب) در صورت سود و زیان " ارزش افزوده " چه چیزی را مشاهده می کنید؟

ج) تا چه حد اثرات این تئوری واقعی هستند؟

۷) بر اساس اطلاعات صورت سود و زیان قرار دادی و صورت حساب در آمد های انباشته شرکت

اینبرگ طی سال جاری، صورت حساب ارزش افزوده را تهیه کنید:

در آمد فروش ۵۰۰۰ دلار

موارد مورد استفاده ۱۰۰۰ دلار

حقوق و هزینه دستمزد ۹۰۰ دلار

هزینه استهلاک ۴۰۰ دلار

مالیات بر درآمد ۸۰۰ دلار

عرضه مورد استفاده ۲۰۰ دلار

هزینه خدمات رفاهی ۳۰۰ دلار

هزینه بهره ۲۰۰ دلار

سود سهام پرداخت شده ۳۰۰ دلار

۸- یک شرکت سهامی ۱۰٪ سود سهام را اعلام می کند . از دیدگاه تئوری های زیر ، در مورد ماهیت سود سهام برای گیرنده وجه بحث کنید.

الف) تئوری مالکیت

ب) تئوری واحد اقتصادی مستقل

ج) تئوری مدیر د) تئوری وجوه مستقل

و) تئوری سرمایه گذار

ه) تئوری بنگاه

۹) در این فصل ، ما دیدگاهی را مورد بررسی قرار دادیم که مالک ، واحد مستقل تجاری ، مدیر ، سرمایه گذار ، وجوه مستقل ، و تمام شرکت کنندگان های سهامی بزرگ به آن توجه کرده اند . به نظر شما کدامیک از این موارد در تشکیل تئوری جامع حسابداری از اهمیت بیشتری برخوردار است ؟

۱۰) اگر دیدگاه تئوریک واحد مستقل تجاری را در نظر بگیریم ، به نظر شما کدامیک از موارد زیر

در تعیین درآمد مناسب می باشد ؟

الف) سرمایه مالی یا سرمایه فیزیکی

ب) هزینه تاریخی یا هزینه جاری یا قیمت خروجی

ج) دلارهای اسعی یا دلارهای ثابت

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title: فصل ۱۱  
Subject:  
Author: \*  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 4/7/2012 12:21:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: H.H  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 4/7/2012 12:21:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 30  
Number of Words: 5,621 (approx.)  
Number of Characters: 32,043 (approx.)